

● هادی دوست محمدی

ژوئیه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رمان جامع و موم انسانی

باورکردنی نبود، تمام دنیا را گیج و مبہوت کرد. بیشتر به معجزه شہادت داشت، با حسابهای عادی و جریانهای طبیعی جهانی، نمی ساخت، ابرقدرتها غافلگیر شدند، شرق و غرب خود را باخت، با همه انقلابهای جهان تفاوت داشت، برای جهانیان شگفت آور بود که این انقلاب، اساس جامعه شناسی و روانشناسی را دیگرگون ساخت، و معیارهای علوم را برهم زد،

ایران یک پارچه فریاد گشته بود، شب یا روز تفاوتی نداشت "تانک، توپ، مسلسل" دیگر اهمیتی نداشت، از گلوی کودکان صدای غرش شیر می آمد، نوجوانان و جوانان، تمام آثار استبداد و دیکتاتوری را درهم می کوبیدند، مسجد میدان جهاد بود

بازار مرکز پیکار، دانشگاه و مدرسه سنگرگاه/مجاهدین و کوچه و خیابان نمایشگاه فداکاری و جانبازیهای مسلمانان راستین بود، حرکت دسته‌جمعی بانوان، همچون امواج خروشان افقیانوس، از هیچ مانعی نمی‌هراسید، زن ایرانی، راه زینب (ع) خویش را باز یافته و طاغوت بیزیدی را باز شناخته بود و قدم به جای قدم آن بانوی مرد آفرین می‌نهاد، همه مرزهای شیطانی را که حکومت‌های جبار به وجود آورده بودند، ملت‌قهرمان فروریخت و درهم شکست، طلبه و دانش‌آموز، دانشجو، بازاری، کارگر، استاد و شاگرد، کشاورز، و کارفرما، روستائی و شهری همه باهم، آنهم در همه‌جا، آنهم در همه وقت، یک هدف را تعقیب می‌کردند. شعار می‌دادند والله اکبر می‌گفتند و به سوی الله راه می‌پیمودند و سنگ بردست، بت‌ها را فرو می‌ریختند و با طاغوت مبارزه می‌کردند، راه محمد (ص) و علی (ع) را ادامه می‌دادند، که ما مسلمانی و اسلام راستین را تازه بازیافته‌ایم، آری.

انقلاب اسلامی ایران در جهان بی‌نظیر بود، تاریخ هرگز چنین واقعه‌ای را ثبت نکرده است، عالیترین نمونه تجسم ایمان و عشق بود و مظهر پیروزی حق بر اهریمن. تمام مستضعفین جهان به ایران چشم دوخته‌اند، و امیدشان را در ایشان جستجو می‌کنند.

این انقلاب عظیم، این پیکار آزادیبخش، این جنبش الهی، این حرکت ایمان این تلاطم عشق، این فریاد حق و بالأخره این ثمره عزیزترین، پاکترین و گرامی‌ترین خون‌های شهیدان را پاس داریم و این راه را ادامه دهیم. گمان نبریم که کار به انجام رسیده و انقلابمان پیروز گشته و دشمن سرکوب و طاغوت آواره شده است، که از این پس مسئولیت خطیرتر و وظیفه سنگین‌تر خواهد بود. زیرا در اینجا به دو نکته باید توجه کرد که اولی مربوط به انقلابیون و دومی به ضد انقلابیها مربوط است.

۱- پس از پیروزی ممکن است در افراد انقلابی بعنوان اینکه پیروز شده‌اند نوعی سستی و کوتاهی به وجود بیاید که دیگرکاری نداریم، و همین غرور، باعث وارد شدن لطمه بر پیکر انقلاب گردد.

۲- تغییر تاکتیک دشمن! دشمن شکست خورده، همانند مار زخم خورده، از انتقام دست بر نمی‌دارد ولی می‌کوشد تاکتیک عوض کند و چهره را تغییر دهد، با ماسک‌های جدیدتر و روش‌های نوتری وارد عمل می‌شود، بی‌کار نمی‌نشیند و چه بسا در فرم‌های انقلابی و انقلابی‌پسند، به عنوان آزادی‌خواهی دفاع از حقوق ستم‌دیدگان، و طرفداری از مستضعفین هم وارد عمل شود. و یا به عنوان دفاع از خود انقلاب و دعوت به اتحاد و حتی گاهی در چهره دفاع از اسلام در صدد تفرقه افکنی برآید و از این راه دشمنی خود را انجام دهد.

اصولا افراد چند چهره و باصطلاح اسلام، " منافقین " هر روز و یا در هر ساعت به شکلی درآمده ناپاکی و " نفاق " خود را بصورت خاصی مجسم می کنند، ولی در هر شکل و صورتی که باشند، در تعقیب نیت ناپاک و خبت باطنی خویش هستند.

این فروما یگان، تنها به یک چیز پای بندند و آن هم " منافق بودن "، هر روز بامداد، قیافه و چهره های غیر از قیافه دبیروز دارند، یک روز برای خدا شمشیر می کشند، و روز دیگر با کوچکترین بهانه و یا بدون بهانه، براو شمشیر می کشند، روزی یار علی (ع) هستند و روزی دشمن او، و بالأخره یک روز انقلابی هستند و فردای آنروز درست ضد انقلابی!

تاریخ نیز نامهای ننگین آنان را ثبت کرده و خواهد کرد، یکی از این یوقلمون صفتان که تاریخ او را معرفی نموده است " شبت بن ربعی " است، این منافق، یسکروز هنگامی که " سجاح " در میان قبیلۀ بنی تمیم ادعای پیامبری کرد از شاگویان وی و اذان گوی او شد، و موقعی که کار این زن (سجاح) به رسوائی کشید، او مسلمان گشت؛ یک روز در قتل عثمان شرکت کرد، و روز بعد از یاران علی (ع) به شمار آمد، طولی نکشید — امیرالمؤمنین علی (ع) خروج کرد و به همراهی خوارج، از دشمنان آن حضرت گشت، و باز یکروز از خارجی بودن توبه کرد و کنار رفت و در سال ۶۱ هجری در نهضت حسین بن علی (ع) در کربلا، یکی از فرماندهان لشکر یزید بود و در قتل امام شرکت داشت. شگفت آور اینکه، هنگامی که مختار ثقفی به خونخواهی امام برخاست، " شبت " که خود از کشندگان امام (ع) بود، در انتقام گرفتن از دشمنان امام (ع) با مختار همکاری کرد سپس رئیس پلیس کوفه شد و در کشته شدن مختار دست داشت و در حدود سال ۸۰ هجری، درگذشت که نفرین خدا براو و امثال او باد.

پرتال جامع علوم انسانی



خطر منافقان

آری یکی از خطرهایی که در پیرامون ضد انقلاب باید به آن توجه کنیم، منافقین و چند چهرگان هستند که وجودشان بلای عظیمی برای ملتها است و همیشه در گذشته و حال به انقلابهای مردمی خیانت کرده و می کنند و با ماسکهای ظاهر فریب، در لباسهای آزادی خواهی، دفاع از محرومین و انتقاد به اصطلاح سازنده با انقلاب مردم به پیکار برخاسته اند که پس از انقلاب اسلامی ما، فریادهای دایه های مهربانتر از مبادر،

گوشها را می خراشد و هرروز از گوشهای صدای منافقین برمی خیزد و برای مردم مستضعف، " اشک تمساح " می ریزند و دلسوزی می کنند که **وَاللّٰهُ يَشْهَدُ اَنَّ الْمُنَافِقِيْنَ لَكَذِبُوْنَ** خدا گواهی می دهد که منافقین دروغگو هستند .

برملت مسلمان و قهرمان ایران لازم است که اینان را بشناسند و باکمال بینش و آگاهی ، نقشه های شیطانی آنان را نقش بر آب نمایند و بیش از پیش رسوایشان سازند که **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ** ^۲ ای پیامبر با کفار و منافقین با شدت هرچه بیشتر بیکار کن !.

چهره های ضد انقلاب

جای تردید نیست که منافقین و همکارانشان ، بعنوان ضد انقلاب ، برای متزلزل کردن انقلاب و از هم پاشیدن انقلابیون ، راههای گوناگونی را پیش می گیرند و از طرق مختلف وارد عمل می شوند که معمولا به صورت دشمنی غیر مستقیم خواهد بود مثلا

(۱- ایجاد هرج و مرج

سعی می کنند در میان مردم هیچگونه قانون و انضباطی حکمفرما نباشد ، بسا هوچی گری ، افراد را به بی نظمی می کشانند تا از این طریق در نظر ملت به مدیریت و لیاقت و کفایت انقلابیون ، تردید ایجاد شود ، و گردانندگان انقلاب را به بی کفایتی متهم نمایند .

۲- جعل اخبار و پخش شایعات

می کوشند تا خبرهای دروغ ولی وحشت را ، شایع نمایند تا افکار مردم را مشوب ساخته آنان را از توجه دقیق به وظایف انقلابی باز دارند ، که لازم است به اینگونه اخبار و شایعات کوچکترین اهمیتی ندهیم و در این مورد نیز تلاشهای ضد انقلاب را خنثی نمائیم .

۳- ایجاد گرانی کاذب

با احتکار و گران نمودن نیازمندیهای اولیه و ایجادگرانی کاذب ، افراد عامی و ناآگاه را خسته می کنند تا زمینه برای ضد انقلاب آماده و فراهم گردد .
در اینجاهم برانقلابیون و افراد آگاه ملت ، لازم است که از همه راههای عقلانی وارد شده این نقشه را هم نابود سازند ، ولو اینکه مدت کوتاهی به خود سختی بدهند ، اشیاء را گران نخرند و محتکرین و گرانفروشان دغلباز را معرفی کنند و فریب ظاهر شیطانی آنان را نخورند .

برنده‌ترین و موثرترین سلاح ضد انقلاب، اختلاف در میان مردم است، در هر نقطه‌ای از گوشه و کنار کشور، می‌کوشند تا زمینه مناسبی برای این هدف شوم خود بسازند. دست آورند، برخوانند گرامی پوشیده نیست که در این ایام تا چه اندازه برای این موضوع کوشیدند و باز با ماسکهای طرفداری از آزادی و حقوق، سمپاشی کردند؟ ادر تهران، برخی از بانوان ساده لوح را جلو دار معرکه کردند، بعنوان مخالف پوشش اسلامی و طرفدار بی‌حجابی، دم از آزادی می‌زدند و نسبت به اتحاد و انقلاب اسلامی دلسوزی می‌کردند؛ ولی موضوع شیعه و سنی و کرد و فارس را پیش می‌کشیدند!

فراموش نمی‌کنیم که خانمی آگاهانه یا ناآگاه به گزارشگر رادیو می‌گفت: "ما حجاب را نمی‌خواهیم، ما از آزادی دفاع خواهیم کرد!، انقلاب ما تازه پیروز شده چرا موضوع حجاب را پیش می‌کشید شیعه و سنی و کرد فارس درست نیست؟!!"

برای مردم شگفت آور بود که چرا موضوع شیعه و سنی و کرد و فارس را پیش می‌کشید، در صورتی که تصور این امر هم نبود، و مسئله حجاب، ارتباطی با این موضوع ندارد که خوشبختانه ملت به زودی دامهارا تشخیص داد.

این موضوع، در سنج و گنبد و مهاباد و... به شکل حاد تر و محسوس تری نمایان شد، و ضد انقلابیها و منافقین کوشیدند تا به اختلافات، دامن بزنند و مردم بی‌خبر و بی‌گناه را وسیله نیت پلید خود قرار دهند.

از راه دلسوزی و همکاری وارد شدند ولی خیانت کردند! بعنوان دفاع از وحدت و اتحاد فریاد کشیدند ولی بذریختن اختلاف می‌پاشیدند! چقدر برای برادران ترکمن اشک ریختند ولی قصدی جز اختلاف افکندن نداشتند که در نتیجه باعث ریخته شدن خون عده‌ای از عزیزان جامعه گشتند.

در جریان "رفراندوم" به کشاورزان گفته بودند: اگر گفتید "آری" سرزمینهای شمارا می‌گیرند ولی اگر رای "نه" به صندوق افکندید، املاک مال شما است " که در اینجا نیز رسوا شدند.

در این مورد نیز لازم است فرد ملت شجاع ایران، این حيله‌ها را باز شناسند و شرآنان را به خودشان بازگرداند و علیرغم کوششهای ضد انقلاب، دست برادری و اتحاد را بغشارند و شعار: *إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ* "مسلمانان همه باهم برادرند" را هرگز فراموش ننمایند و با اتحاد و برادری و باتوجه و اتکال به خدای متعال، انقلاب مقدس خود را ادامه دهند.

۵- بقایای رژیم

بقایای رژیم و طرفداران معدومین، در داخل و خارج، مانند میکربهای

مرموز به سمپاشی مشغولند و هرگز بیکار نخواهند نشست، این مزدوران، حتی در میان خانواده‌های کم اطلاع و ساده لوح نفوذ می‌کنند و مسائل بسیار ناچیز مملکتی را بزرگ کرده خود را علاقمند مملکت معرفی می‌نمایند سعی در انحراف آنان دارند، که در اینجا نیز با هشیاری باید مکر اینان را تمیز داد و با قدرت لازم، به کیفر کردار پلیدشان رسانید.

۶- حمله به برخی از پرسنلها

به‌منظور ایجاد اختلاف و تضعیف قوای دولت و ملت، خود را دلسوز مملکت دانسته به بعضی از جوامع یا پرسنلهای انتظامی حمله می‌کنند، بعنوان اینکه این افراد، درگذشته با رژیم طاغوتی همکاری داشتند و باید از بین بروند، به همه برادران ماهانت می‌کنند و در این حمله، هدفی جز خیانت ندارند، جای تردید نیست که افرادی که درگذشته به ملت خیانت کرده‌اند، باید شناخته شوند و به کیفر خود برسند ولی نه اینکه هر فرد مسلمان و مجاهد و دلسوز از افراد انتظامی را مساوی با آنان بدانیم، نگارنده در گیرودار های انقلاب، در مسئولیتهایی که داشتم از نزدیک شاهد فداکاریها و از خود گذشتگیهای برخی از برادران انتظامی بودم، که بی‌اختیار به یاد یاران فداکار سالار شهیدان حسین بن علی (ع) می‌افتادم و صحنه عاشورا را می‌دیدم، و با همه مشکلاتی که در مقابل می‌دیدم و خطرهایی را که احساس می‌کردم، با دیدن آن گونه شهامتها و ایمان، اشک شوق میرختم و از اینکه می‌دیدم افراد مؤمن هنوز کم نیستند، احساس غرور و مباهات می‌نمودم، یقین دارم، یکی از علل پیروزی ما در انقلاب عظیم اسلامی خود، مسلمان و مؤمن بودن و فداکاریهای بسیاری از برادران انتظامی ما بود که به خوبی از آزمایش‌های پیروزمندان بیرون آمدند، پس حمله یا اهانت به این پرسنلها، یکی از تاکتیکهای ضد انقلاب است و باید با کمال هشیاری جلوی این حمله را گرفت.

۷- اعتصابها و تظاهرات

شکی نیست که بعضی از برادران و خواهران ما گفته‌های حق و ادعاهای بجائی دارند و لازم است به آنها از طریق صحیح و عاقلانه رسید و به گفته‌هایشان رسیدگی کرد ولی این حقیقت را نیز نباید فراموش کرد که ضد انقلاب در میان این افراد نفوذ می‌کند و از پاکبانی و دعاوی حق آنان سوء استفاده کرده به بهانه جوئی می‌پردازد و آنان را به آشوب و تظاهرات تخریک می‌نماید در صورتی که افراد ذیحق از این خیانت پنهان، بی‌خبرند. درگذشته نیز افراد مغرض از جمعیت‌های بی‌غرض، سوء استفاده می‌کردند، و از آنان به نفع رژیم طاغوتی بهره برداری می‌نمودند که غالباً به اشکال چماق بدست‌ها و... ظاهر می‌شدند که در اینجا آگاه ساختن عامه مردم و بیدار نمودن آنان، از وظایف اولیه

ما است که دیگر ندانسته و ناخواسته وسیلهٔ افراد مزدور و خائن قرار بگیرند.

۱- راضی نشدن و مهلت ندادن

ضد انقلاب، قهرا نمی‌تواند خود را معرفی کند ولی تنها به نارسائیه‌ها توجه می‌کند و هر جا افراد ساده لوحی را گیر آورد به عیجوجی از انقلابیون پرداخته نقاط ضعف دولت اسلامی را به رخ می‌کشد و از این نوع فرصتها سوء استفاده می‌کند و بسه سمپاشی می‌پردازد. که در اینجا نیز با آگاهی دادن به مردم و متوجه کردن آنان به واقعیتها، می‌توان خیانت ضد انقلاب را برملا ساخت، به این عنوان که هر انسان عاقل و متعادل نمی‌تواند انکار نماید که یک کشور جنگ زده، تازه نجات یافته احتیاج به فرصت و مهلت دارد تا تدریجا همه مشکلات را حل نماید، و اگر بگوئیم، همین الآن فلان کار باید انجام گیرد و دو روزه باید همه چیز درست شود دلیل بر این است که یبا درک نمی‌کنیم یا حسن نیت نداریم و غرض آلود فکر می‌کنیم.



در مقابل مسائل بالا، مسائلی هست که اگر انقلابیون به آنها توجه نمایند و ما خود عمیقا به واقعیات و حقایق توجه نکنیم، نتیجه‌ای شبیه اعمال ضد انقلاب به جای خواهیم نهاد و ناخواسته، با ضد انقلاب همکاری کرده‌ایم.

۱- آگاهی و بینش اسلامی

بر هر فرد آگاهی پوشیده نیست که رژیم مغفور گذشته، بزرگترین زیانش، زیان فرهنگی بود که در تمام شئون اجتماعی ما اثر گذاشته است، حتی معانی واژه‌ها و کلمات را تغییر داده، آزادی، هنر، روشنفکر و... را از مسیر صحیح خود منحرف ساخته است و سعی و کوشش داشته است که افراد ملت را در بی‌خبری و ناآگاهی، مخصوصا بی‌خبری از معارف اسلامی نگهدارد، تا آنجا که با کمال تأسف حتی بسیاری از تحصیلکرده‌های «باصلاح» روشنفکر هم زحمت مطالعهٔ یک کتاب اسلامی را به خود نداده و ناخود آگاه، در بست در اختیار استعمار بوده‌اند و هنوز هم خود را با سواد می‌دانند و صاحب نظر، در صورتی که تحصیلاتشان، برای آنان تنها غرور آورده نه آگاهی، و شگفت آور اینکه از بی‌سوادها عامی‌تر و جاهل‌تر مانده‌اند و همین راهم میدانند و باصلاح، در جهل مرکب مانده‌اند که این موضوع احتیاج به بحث مفصلی دارد که اکنون در صدد نگارش آن

مطالب نیستیم. در یک چنین موقعیتی بر همه افراد دلسوز و آگاه لازم است که زیانهای سالهای متمادی را جبران نمایند و برادران و خواهران اجتماع را آگاه سازند و با آشنا نمودن آنان به معارف اسلامی، بینش صحیح انسانی به آنان ببخشند، لازم است عموم مسلمانان قدرت استفاده از قرآن و متون اصیل کتب حدیث را پیدا کنند که به این وسیله با داشتن بینش اسلامی، به دام ضد انقلاب نخواهند افتاد.

۲- انتقادهای سازنده

یادآوری شد که عیجیوئیهی ضد انقلاب با اغراض سوء عنوان می شود ولی نباید از انتقادهای صحیح و سازنده افراد دلسوز و آگاه بهره برداری نکنیم، در اینجا بر انقلابیون، لازم است که آنچه به نظرشان می رسد، دوستانه، با کمال حسن نیت و عاقلانه در میان بگذارند و خود را سهیم و مسئول در امور و کارها بدانند که: **كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ** و از سوی دیگر، بر مسئولین و اداره کنندگان امور کشور، لازم است که از افکار و انتقادهای افراد خیرخواه و خوش فکر و مؤثر استفاده نمایند و از اینکه خدای ناکرده روشی مانند روش رژیم سابق به پیش آید جداً بپرهیزند، که در این مورد اگر انتقاد صحیح ننمائیم یا به انتقادهای توجه نکنیم، به ضد انقلاب کمک کرده ایم.

۳- استفاده از افراد

در گذشته، افرادی به کار گمارده می شدند و پیش می رفتند و ترقی می کردند که تنها در چاپلوسی و تملق، متخصص بودند و برای خیانتکاران دلالتی می نمودند و شریک دزد و رفیق قافله بودند. لازم است از این تجربه استفاده کنیم و مواظب باشیم که باز، " زبان بازها" و چاپلوسها و کسانی که گاهی را کوه می کنند و کوه دیگران را کاه جلوه می دهند، به پیش نروند و در مقابل، افراد بزرگوار و با شخصیت و خوش فکر و آگاه، کسانی که کار خود را به رخ کسی نمی کشند و احساس می کنند که برای خدا و به عنوان وظیفه، کاری را انجام می دهند، به اندازه چند نفر می توانند کار کنند، عقب نمانند، که در این صورت باز رژیم، طاعتی خواهد بود و زبانها، جبران ناپذیر خواهد گشت! و این خواسته ضد انقلاب است. پس لازم است افراد با ایمان، متفکر، دلسوز، وارد آگاه تشویق شوند و از وجودشان برای کشور و ملت استفاده گردد.

۴- هماهنگی

لازم است در سراسر کشور، در فعالیتهای انقلابی، هماهنگی به وجود بیاید تا

هرکس به میل و سلیقه خود حرکت نکند که اختلاف در روش، موجب اختلاف خواهد شد و برانقلاب یکپارچه‌ای ملت مسلمان لطمه خواهد زد.

۵- خواب ماندگان

همچنانکه در بالا اشاره شد شکی نیست که پرسنلهای انتظامی، با فداکاریها، به انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی کمک شایانی نمودند و از عزیزترین فرزندان جامعه ما هستند، ولی با کمال تأسف تعدادی هستند که هنوز بیدار نگشته اند و افکارشان طاغوتی است، مثلا ماموری که یک عمر رشوه خورده است، الآن زمینه را بد می داند و تحرک کار و مسئولیت ندارد، اینگونه افراد غالبا، ادارات انتظامی را به کم کاری می کشانند و از این طریق حالت سردی و ناراحتی در مردم ایجاد می نمایند که اینگونه افراد باید شناسائی شده و کنار گذاشته شوند وگرنه به دیگران نیز زیان خواهند داشت و عملا کمک به ضد انقلاب خواهند نمود.

۶- انتقامجویی ها

روشن است که کمیته‌ها، خدمت بزرگی به ملت نمودند و عاشقانه برای انقلاب اسلامی کوشیدند ولی گاه و بیگاه اعمالی از برخی افراد سر زده است که از نظر اسلام و انقلاب، تأسف آمیز است، گاهی موضوع انتقامجویی و تسویه حسابهای شخصی به پیش آمده و به افراد محترم شهرستانها اهانت شده است، بی شک اینگونه اعمال علاوه بر اینکه از نظر اسلام حرام می باشد، از جهت اجتماعی نیز لطمه جبران ناپذیری به انقلاب خواهد زد و همان کاری که خواسته ضد انقلاب است انجام خواهد گرفت، در اینجا روحیه بزرگواری اسلامی و موضوع **الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ** "دوستی و دشمنی برای خدا" باید در نظر باشد، نه انتقامجویی و تسویه حساب های فردی.

۷- عفو و گذشت

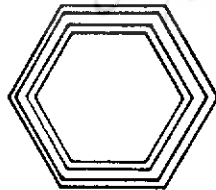
بر همه روشن است که عده‌ای از مردم، بر اثر تبلیغات گسترده دستگاههای حاکم از همه حقایق و واقعیات زندگی بی خبر ماندند و گاهی هم به برخی از اعمال نادرست (به اصطلاح گناهان صغیره)، دست زدند که امروز شایستگی بازگشت و اصلاح را دارند.

در اینجا نباید با کوچکترین نقطه ضعفی که در گذشته برای اینان بوده، آنان را رسواتر سازیم و به کنارشان بزنیم بلکه منطق رسول اکرم (ص) را در فتح مکه که فرمود: "إِذْ هَبُوا أَنْتُمْ الطُّلُقَاءُ" شما آزادید، کاری با شما نداریم و فرموده: دیگرش: الْيَوْمَ الْيَوْمَ الْمَرْحَمَةَ، امروز روز مهر و شفقت و بزرگواری و گذشت است، در نظر بگیریم و به آن حضرت تأسی و اقتدا کنیم، این چنین افراد را مورد عفو و مهر قرار دهیم.

ب- حفظ احترام افراد

برخی از افراد، معنی واقعی انقلاب را درک نکرده گمان می‌کنند که پس از انقلاب دیگر همهء حدود مرزها برچیده شده است، در صورتی که این معنی، ضد انقلاب است نه انقلاب، در پرتو انقلاب اسلامی، باید حدود و احترام افراد لایق، ارزشمند، خدمتگزاران و دانشمندان، رعایت شود و نیکان، تقدیر و تشویق گردند و همچنین لازم است اقلیت‌های مذهبی و سیاسی در رفاه و آسایش و احترام، زندگی کنند تا ضد انقلاب نتواند وسیله‌ای برای تفرقه به دست آورد.

پس لازم است با رعایت این امور و مسائل دیگر وظایف خود را انجام دهیم و هشیارانه منافقین و ضد انقلاب‌ها را بشناسیم و با هر نوع طاغوت و طاغوتی مبارزه نمائیم که خدای متعال نیز وعده داده است که آنان را رسوا خواهد کرد و به عذاب دردناکی دچارشان خواهد ساخت بِشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا^۳ به منافقین خبر ده که بدون تردید عذاب سخت و دردناکی برایشان مهیا است.



- ۱- سوره منافقون آیه ۷
- ۲- سوره تحریم آیه ۹
- ۳- سوره نساء آیه ۱۳۸